

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهزاد مالکی
۰۳ جنوری ۲۰۱۸

مکسیکو در جست و جوی خروج از گرداب بحران اقتصادی؟!

۱

انتخابات اخیر مکسیکو و روی کار آمدن آندرس مانوئل لویز ابرادر (آملو) Obrador Andrés Manuel Lopez (که در این نوشته نام لویز ابرادر را به کار خواهیم برد) مبارز قدیمی سوسیال دموکراسی مکسیکو ما را بر آن داشت که به بررسی مسیر ۲۰ سال اخیر او و شرایطی که به پیروزی او منجر شد بپردازیم. این مسأله نه تنها ما را به شناخت مکسیکو، یکی از مهمترین کشورهای آمریکای لاتین، نزدیک می کند، بلکه تجارب انباشت شده و توپوگرافی نیروهای درگیر در این مبارزات با شباهت هایی که اینجا و آنجا با مبارزات مردم ایران مشاهده می کنیم، می تواند حاوی درس های مهمی برای ما باشد.

انتخاب لویز ابرادر کاندیدای ۶۵ ساله ائتلاف چپ - در یکشنبه اول جولای ۲۰۱۸ - به ریاست جمهوری مکسیکو - کشوری بزرگ با جمعیتی حدود ۱۳۰ میلیون نفر - مردی را سر کار آورده که حدود چهل سال در مبارزات سیاسی مکسیکو حضور داشته که بیش از دو دهه آن فعالیت در بالاترین سطوح فعالیت سیاسی مکسیکو بوده است. شهرداری مکسیکو و (۲۰۰۵-۲۰۰۰) و سه دوره کاندیداتوری در مبارزات انتخاباتی برای ریاست جمهوری این کشور از آن جمله اند. برای درک بهتر اوضاع کنونی مکسیکو، بهتر است به عقب برگردیم و اوضاعی را که در این ۲۰ سال انتخاب لویز ابرادر «آملو» را به ریاست جمهوری، ممکن و از نظر برخی محافل قدرت در مکسیکو و حتی قدرت های حامی آنها در ایالات متحده آمریکا و سایر کشورها، مقبول ساخته، بررسی کنیم. در سال ۲۰۰۰ حزب PRD - حزب انقلابی دموکراتیک - با وارد شدن در ائتلافی ناپایدار با حزب دست راستی PAN - حزب اقدام ملی - علیه PRI - حزب انقلابی نهادی - به قدرت ۷۱ ساله این حزب خاتمه داد. امری که در نهایت به نفع حزب اقدام ملی تمام شد و ونسان فوکس رهبر آن به ریاست جمهوری رسید. که در واقع همان سیاست های رژیم گذشته را دنبال کرد.

«حزب انقلابی دموکراتیک» - PRD - در ۲۶ ماه مه ۱۹۸۹ از ائتلافی مرکب از سازمانها و نهادهای «چپ» تأسیس شد. (سازمان مدنی شهر مکسیکو «انجمن محله ها» - ائتلاف کارگران، دهقانان و دانشجویان - جناح دموکرات حزب PRI - پایه های حزب کمونیست قدیمی - و...) در ۱۹۸۸ کاردناس رهبری این حزب را به دست گرفت. برنامه این حزب با پذیرش اقتصاد بازار و احترام به انتخابات پارلمانی و نقش دولت در بخشهای کلیدی در چهارچوب یک برنامه

سوسیال – دموکراتیک آنچنان که می شناسیم، قرار می گرفت. از ۱۹۹۶- این حزب عضو بین الملل سوسیالیست گردید و در انتخابات ۱۹۸۸- ۷۹۱ در صد و ۱۹۹۴- سال قیام زاپاتیستها – ۱۶۸ در صد آراء را در انتخابات فدرال به دست آورد. ابرادر رهبر بعدی این حزب، در خانواده ای خرده بورژوا و تحصیل کرده در ایالات جنوبی به دنیا آمده و تحصیلات او در حقوق و علوم سیاسی و اداره عمومی است. در جوانی به عضویت حزب انقلابی نهادی-PRI- که حزبی دست راستی است، درآمد. اما بزودی از این حزب استعفاء داده و به یک سری فعالیت های مدنی به ضد اجحافات کمپانی ملی نفت مکسیکو-pemex- و تقلبات انتخاباتی – امری رایج در مکسیکو – دست زد. با تأسیس حزب انقلابی دموکراتیک - PRD- که توسط جناح چپ (PRI) به وجود آمد، به آن پیوست. در جولای ۲۰۰۰ شهردار مکسیکو سیتی گردید. در این مقام، با مبارزه با مافیای قدرت و یک سری اصلاحات به نفع مادران مجرد و بازنشستگان کم درآمد و بهبود برنامه آموزشی و ساختارهای حمل و نقل و ... به شهرت و محبوبیتی دست یافت که هراس الیگارشی قدرت مستقر در مکسیکو را دامن زد. به بهانه اقتضاحات مالی تعدادی از اطرافیانش، او را هم به فساد مالی متهم کردند و قصد تعقیبش را داشتند که با فشار و تظاهرات یک میلیون از هوادارانش رها گردید. انتخابات ریاست جمهوری در مکسیکو، طبق برنامه، در ۲ جولای ۲۰۰۶ برگزار گردید. کاندیدای حزب اقدام ملی - PAN- (حزب دست راستی کاتولیک) - فلیپ کالدرون، با اختلاف آرای ۵۶ صدم در صد یعنی با اختلاف ۲۴۳ هزار رأی از ۴۱ میلیون رأی در مقابل کاندیدای رفرمیست چپ، آندره مانوئل لویز ابرادر- حزب انقلابی دموکراتیک - برنده اعلام شد.

مقامات حکومتی با علم به این که ابرادر شانس زیادی برای برنده شدن دارد، از مدت ها قبل به هرترفندی دست یازیدند تا او را از دور مسابقه انتخاباتی خارج سازند. پخش مخفی باند ویدئویی برای بی حیثیت کردن او، پرونده سازی واهی، زندان و لغو حقوق شهروندی از آن جمله اند. ترس الیگارشی حاکم در مکسیکو و قدرتمندان ایالات متحده در آن موقع از این که کشور دیگری در امریکای لاتین به جریان چپ حاکم در کوبا، ونزوئلا، بولیوی، برزیل، اوروگوئه، ارجنتاین و چیلی بپیوندد در این اقدامات بی تأثیر نبوده است. ولی به رغم همه اینها، زیر فشار توده ئی و تظاهرات آنها، ابرادر توانست به عنوان کاندیدای چپ به انتخابات راه یابد.

اقدام بعدی حاکمیت، سازماندهی وسیع تقلب انتخاباتی برای جلوگیری از انتخاب کاندیدای چپ بود. گزارشگران بی مرز و مانوئل بروسو (رئیس شورای وزیران اروپا در آن موقع) و ناظران بی طرف به موارد متعددی از این تقلب ها اشاره کرده، نگرانی خود را ابراز داشته اند. (لوموند دیپلوماتیک، اگست ۲۰۰۶) - منابع دیگری هم از جمله به موارد زیر اشاره کرده اند. ۹۰۴ هزار رأی حتی شمرده نشده در حالی که با اختلاف ۲۴۳ هزار رأی برنده را اعلام کرده اند. شمار زیادی از مردم در روز رأی گیری متوجه شدند که نامشان در لیست انتخاباتی نیست. در ۳۵۰۰ حوزه انتخاباتی، تعداد آرای اعلام شده، ۵۸ هزار رأی از آرای ثبت شده در لیست بیشتر بوده. برخی از روزنامه های مکسیکو عکس هایی چاپ کردند که نشان می داد صندوق های رأی متعلق به حوزه های طرفدار چپ به دور انداخته می شود. در هر کشور دموکراتیکی، با این اقدامات اگر نه به لغو انتخابات، دست کم به شمارش دوباره کل آنها منجر می شد ولی در مکسیکو اداره فدرال انتخابات و دادگاه انتخابات، تمام اعتراضات قانونی ابرادر را رد کرده، در ۷ سپتمبر رسماً پیروزی کالدرون را اعلام نمودند. با اعلام نتایج انتخابات، مردمی که اعتراض داشتند و آن را نمی پذیرفتند به خیابان ها ریخته و دامنه تظاهراتشان هر روز وسیع تر می شد. با روشن شدن تقلب ها و بی ترتیبی های رأی گیری، با فراخوان ابرادر، در ۸ جولای، ۷۰۰ هزار نفر، دو هفته بعد ۲ میلیون نفر و در ۳۰ جولای سه میلیون نفر در مکسیکو سیتی و ۷ میلیون نفر در سراسر مکسیکو به منظور اعتراض به نحوه برگزاری انتخابات اجتماع کردند و خواستار لغو

آن گردیدند. شرکت کارگران و دهقانانی که به شهر آمده بودند و شمار بومیان در این اجتماعات زیاد بود. گستره خواست های مردم از لغو انتخابات فراتر رفت و به تدریج تمام سیاست های الیگارشی حاکم را نشانه گرفت. به ویژه سیاست های خصوصی سازی، بیکاری و فقر، فساد دستگاه اداری و انحصار رسانه های عمومی در دست دولت سرفصل های مهم این اعتراضات هستند. مبارزه ای که بر سر تقلب های انتخاباتی شروع شده بود، می رفت که به یک شورش همگانی انقلابی بدل شود. چنین وضعیتی در شرایط سیاسی حاد امریکای لاتین از اهمیتی بسزا برخوردار بود. این مبارزه، یک باره، همه تضادهای کهنه جامعه مکسیکو را که طی سال ها انباشته شده بود، بر روی صحنه کشاند. فقدان دموکراسی، رشد اقتصادی که به هیچ رو وضعیت کارگران و دهقانان و مردمان فقیر را بهبود نبخشیده، بیکاری و سطح پائین دستمزدها، فساد همگانی دستگاه اداری و مهاجرت میلیون ها مکسیکوئی ها به ایالات متحده برای یافتن کار، همه عواملی هستند که اوضاع بحرانی کنونی را ایجاد کرده اند. طبق گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه OECD (اکتبر ۲۰۱۸) از هر ۱۰ مکسیکوئی ۷ نفرشان در فقر زندگی می کنند یا در وضعیت آسیب پذیری قرار دارند و درآمد ۲۰٪ جمعیت پردرآمد مکسیکو ۱۰ برابر درآمد ۲۰٪ جمعیت فقیر آن کشور است.

منبع: <http://www.oecd.org/fr/mexique/global-and-mexico-economic-outlook-2018.htm>

صف بندی های قبل از انتخابات ۲۰۰۶ بر رویدادهای آن اثر مهمی داشت. از جمله: گسترش جنبش سندیکائی و دانشجویی، تغییر ستراتیژی جنبش زاپاتیستی در جهت اتحاد نیروهای چپ با هدف مبارزه با سرمایه داری حاکم، اعلام آماده باش سرخ در جون ۲۰۰۵ و ششمین بیانیه جنگل لاکندونا (۱- برای اطلاعات بیشتر در این مورد به پا نوشت مراجعه کنید) و گردهمائی های "کارزاری دیگر" در جنوری ۲۰۰۶ در شهر کریستوبال و حملات بی رحمانه و خشونت آمیز دولت علیه کارگران فولاد در شهر لازار و سرکوب خونین طرفداران زاپاتیست ها در سان سالوادور، تهاجم به آموزگاران اعتصابی در شهر آکساکا که به اشغال خیابان ها و مراکز مهم شهری دست زده بودند. از سوی دیگر انتخابات فرصتی فراهم کرد تا مردم حکومت ۷۰ ساله حزب PRI و پنج سال حکومت راستی و پسننه فوکس از حزب PAN را زیر سؤال ببرند. میلیون ها مکسیکوئی از اقشار مختلف از کارزار انتخاباتی رهبر اپوزیسیون، لوپز ابرادر پشتیبانی کردند. به گفته پروفیسور جرج گرایا، استاد علوم سیاسی دانشگاه ویلیام و ماری در ایالت ویرجینیا که اخیراً بیوگرافی او را نوشته "ابراذر یک رفرمیست است، ابرادر به ناسیونالیسم انقلابی معتقد است. طالب دولتی قوی با برنامه اجتماعی ست و از سیاست حمایتی و خودکفا در مورد نفت و گاز طبیعی دفاع می کند" شک نیست که او رفرمیستی ست که پایه های اساسی جامعه سرمایه داری را به زیر سؤال نمی برد ولی همین قدر که توده های میلیونی را به حرکت درآورده و پایه های رژیم حاکم بر مکسیکو را سست نموده برای امپریالیست ها و قدرت حاکم خطرناک به شمار می رود. «مردم در او آنچه را که خود می خواهند می بینند یعنی فرصتی برای تغییر ریشه ئی برخی امور. اما آنچه واشنگتن را به هراس انداخته نه لوپز ابرادر، بلکه نیروهائی ست که او به میدان آورده و طبقاتی که از او پشتیبانی می کنند» (به نقل از مقاله بیداری جنبش انقلابی مکسیکو، عنوان مقاله ای ست که آلن وود در نشریه الکترونیکی la riposte در ۲۰۰۶ منتشر کرده است).

پس از گردهمائی ۳۰ جولای، بست نشینی مردم در خیابان ها و جاده ها در مکسیکو سیتی ادامه یافته است. آنها تمام شب ها حتی در زیر باران در خیابان ها برای دفاع از کارزارهای خود ایستادند و از این طریق کار مؤسسات اقتصادی را فلج نمودند. نتیجه مستقیم این جنبش اعتراضی بالا رفتن محبوبیت «حزب انقلاب دموکراتیک» PRD بود که در انتخابات ماه اگست، اولین پست حکومت ایالتی چیپاس را نصیب خود کرد.

ابراثر با درک موقعیت انقلابی و با نفی نتایج انتخابات تقلبی، خویش را در رأس جنبش مردم قرار داد و حکومت را به مبارزه طلبید. این حرکت، جنبش طرفداران او را به دومین گروه بزرگ کنگره تبدیل کرد. نقطه عطف جنبش اعتراضی در مکزیکو، صدور فراخوان "میثاق ملی دموکراتیک" - CND - توسط او بود. ابرائر این عمل را زیر فشار افکار عمومی در روز ۱۶ سپتمبر یعنی روز استقلال مکزیکو که در آن حدود یک میلیون نماینده از سراسر کشور شرکت کردند، انجام داد. علاوه بر آن، ده ها هزار نفر نیز که ثبت نام نکرده بودند با اعلام حمایت خود از آن پشتیبانی نمودند. اعلام اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته در ماه سپتمبر ابتکار دیگری بود که از طرف سازمان های چپ و مارکسیست انجام گرفت. هدف اولیه این گردهمایی تصمیم گیری نسبت به نتایج انتخابات و حرکت بعدی بود. در تدوین این هدف، دو گرایش بروز کرد. گرایش اول، گردهمایی میثاق ملی را میتینگی در جهت اعمال فشار اضافی بر روی قدرت حاکم می دید. تا شاید به توافقی با اپوزیسیون دست یابد و احتمالاً تنی چند از رهبران بوروکراسی تشکیلاتی را در قدرت شریک سازد و بخش هایی از برنامه آن را بپذیرد. این فرضیه با وجود عوامل نفوذی حزب انقلاب نهادی - RPI - که ۷۰ سال حکومت مکزیکو را در اختیار داشته و در سال ۲۰۰۰ از قدرت برکنار گردید (که فرصت طلبانه در پی کسب مقام به جنبش اپوزیسیون پیوسته اند) باعث یک تضاد درونی در حزب انقلابی دموکراتیک گردید. در همان روز اول رهبرانی تاریخی چون Cuauhtémoc Cárdenas (رهبر حزب در ۱۹۸۸) که جنبش را از "تعرض آشکار به نهادهای قانونی" منع می کردند با فریاد "خانن، خانن" از صحنه جارو شدند. گرایش دوم با تکیه به پایه های حزب به این نتیجه رسید که کارگران، دهقانان و جوانان انقلابی حزب خواهان ریزه خواری از سفره طبقه حاکم نیستند. برای آنان "میثاق ملی دموکراتیک" یک بدیل حکومتی ست و از آنجا که دادگاه فدرال انتخاب کالدرن - کاندیدای دیگر - را به رسمیت شناخته، این عمل اعتراضی از تمام چارچوب های قانونی فراتر رفته و آشکارا نفی حکومت فعلی را نشانه گرفته بود. به نظر می آمد که ابرائر با درک اوضاع کنونی، می کوشید به این گرایش نزدیک شود. او قول یک "تغییر رادیکال" را داده و خواهان یک "نقشه جامع برای تغییر مکزیکو" گردید.

میثاق ملی، طی قطعنامه ای، پنج هدف برای خویش تعیین کرد:

- ۱ - مبارزه با فقر و نابرابری وحشتناکی که بر کشور حاکم است. در قطعنامه آمده است "بدون عدالت، امنیتی برای هیچ کس وجود ندارد و صلح اجتماعی نیز پایدار نخواهد ماند. صلح میوه عدالت اجتماعی ست".
- ۲ - دفاع از ثروت ها و منابع ملی "ما اجازه غارت منابع ملی مان را نمی دهیم. ما با خصوصی سازی ها، در هر شکلی که باشد، مخالفت خواهیم کرد. صنایع الکترونیک، نفت، آموزش عمومی، بیمه های اجتماعی و سایر منابع ملی در اختیار و انحصار ملت باقی خواهد ماند" (اشاره به طرح خصوصی کردن شرکت ملی نفت و برق است)
- ۳ - دفاع از حق عموم برای اطلاع رسانی و اطلاع یافتن (در اینجا با قانونی که رسانه های گروهی را انحصاراً در اختیار حکومت قرار داده مخالفت می شود)
- ۴ - مبارزه با فساد عمومی و معافیت فاسدان از مجازات. "حکومت نباید همچون کمیته ای که در خدمت اقلیتی رسوا ست عمل کند. باید کسانی را که از قدرت سوء استفاده کرده و اموال عمومی را به غارت برده اند مجازات نمود".
- ۵ - "پاکسازی تمام نهادهای مدنی" مبارزه با عواملی که به حقوق کارگران و زحمتکش (مندرج در قانون اساسی ۱۹۱۷) خیانت کرده، با دگرگون کردن نهادهای قانون اساسی راه را برای تقلب و فساد باز کرده اند، به طوری که سیاست مالی در خدمت بانکداران و صاحبان نفوذ قرار گرفته و دادگاه فدرال در خدمت جنایتکاران یقه سفید و صاحبان قدرت است."

این هدف ها که دو روز پس از گردهمائی میثاق دموکراتیک انتشار یافته از این امر اظهار نگرانی می کند که نهادهای حاکم از اجرای قانون اساسی که ناشی از انقلاب ۱۹۱۷ است سر باز زده اند. بالاخره قطعنامه های مصوب میثاق ملی، با انتخاب ابرادر به ریاست جمهوری و تشکیل حکومتی در ۲۰ نومبر - سالروز انقلاب مکزیکو - مشروعیت رژیم حاکم را زیر سؤال برده و گرایشی را که می خواست تحت عنوان طرح نقشه مقاومت، ابرادر را صرفاً به عنوان رئیس جنبش مقاومت انتخاب نماید، با اکثریت عظیم آرای نمایندگان میثاق ملی در اقلیت قرار داد و بدین ترتیب اراده خود را برای تغییر کل رژیم نشان داد.

در اینجا نقش مطبوعات و رسانه های مسلط در مکزیکو و رسانه های بین المللی جالب توجه است که به سکوتی سنگین درباره تقلب های انتخاباتی و حوادث جاری مکزیکو پرداخته اند. لوموند دیپلوماتیک در شماره جون ۲۰۰۶ خویش در این باره نوشت: "جامعه بین المللی" و "سازمان های دفاع از آزادی" که به طور مستمر در حوادث انتخاباتی صربستان، گرجستان، اوکراین و اخیراً در بلوروسی آنقدر فعال بودند، درباره این کودتای انتخاباتی که پیش چشم ما در مکزیکو می گذرد، ساکت مانده اند. (۲) می توان تصور کرد که اگر این تقلب انتخاباتی در ونزوئلا کنونی می گذشت و کاندیدای مخالفان چاوز با ۵۶ صدم درصد آرا بازنده می شد چه جنجال بین المللی برپا می گشت. «در اینجا انقلاب "مخملى" مردم مکزیکو موافق طبع آقایان و به توصیه نهادهای رسمی سرمایه داری نولیبرال جهانی و با پول و کمک نهادهای جاسوسی آن انجام نشده است، نهادهائی که فریاد اعتراض آنها را در موارد ذکر شده بالا بارها شنیده ایم.»

به این دلیل، یکی از نخستین اقدامات میثاق ملی دموکراتیک، تشکیل کمیسیونی به نام "روزنامه نگاران در مقاومت" با هدف تصرف سریع کانال های تلویزیونی جهت برپائی یک سیستم اطلاع رسانی حقیقی و مستقل از الیگارشى حاکم بود. ساختار قدرت دوگانه ای که بدین سان شکل می گرفت، همه الیگارشى و نهادهای حاکم، روشنفکران چپ سابق، سازمان های صاحبان صنایع و زمین، رسانه های پر قدرت داخلی و خارجی را در یک "جبهه متحد برای دفاع از دموکراسی و نهادهای رسمی" جمع کرد. در این میان اربابان کلیسا هم از صحنه نبرد عقب نمانده اند. اسقف های بزرگی چون "ساندوال" و "ریوه را" در نماز یکشنبه از ابرادر تقاضا کرده اند که قدرت کالدرون را پذیرفته و به قواعد بازی احترام بگذارد. این آقایان فهمیده اند که مستقل از اراده ابرادر، جنبش کنونی نه تنها قدرت کالدرون بلکه همه نهادهای جامعه سرمایه داری را تهدید می کند!

مردم عمیقاً مذهبی که در کلیسای بزرگ متروپولیتان در نزدیکی میدان زوکالا جمع شده بودند وقتی دیدند مقامات کلیسا جوانی را که فریاد زده بود "زننده باد ابرادر" از کلیسا اخراج کردند به اعتراض پرداخته و یکشنبه بعد خیلی ها به درون کلیسا نرفتند، به ویژه که جلوی در ورودی، از ورود کسانی که آرم و پیراهن طرفداران ابرادر داشتند جلوگیری می شد. آنها در مقابل کلیسا جمع شده و اسقف را به "بچه باز بودن" متهم می کردند. و فریاد می زدند Voto por Voto» (رای ها را تک تک باید شمرد). مردم در برانگیختگی عمومی احساسات شان و فضائی که برای ابراز عقیده پیدا شده، از هر وسیله ای برای نشان دادن طرفداری از جنبش و ابرادر استفاده می کنند. صحنه های سرشار احساسات خرافاتی و مذهبی فراوان به چشم می خورد. روزنامه ملت از مردمی خبر می دهد که در انتظار معجزه ای آسمانی به برپائی سکوهای قربانی و نماز پرداخته اند و با راهپیمائی روی زانوان به زیارت مقابر قدیسان می روند تا پیروزی ابرادر را خواستار شوند. آنها آواز سر می دهند که حزب اقدام ملی به خدا تعلق ندارد!

ادامه دارد